
لزوم اصلاح قانون بزهکاران خردسال

گرچه مسأله بزهکاری خردسالان و نوجوانان در ایران خوشبختانه هنوز آنچنان که امروز و فردای بسیاری از کشورهای جهان متمدن و پیشرو امروز را تهدید میکند - بچشم نمی‌خورد و اگر برخی از نوجوانان که در میان خانواده‌های سرمایه‌دار از همه‌جا بی‌خبر پرورش یافته و می‌یابند از جوانان ولگرد و هیپی‌نمای اروپایی و امریکایی تقلید کورکورانه نکنند، جامعه‌ما از آینده نوجوانان خود چندان نگرانی نخواهد داشت ولی باز با کمال تأسف دیده میشود که بی‌اعتنائی‌های بسیاری از پدران و مادران که هرگز کاری بکار فرزندان خود ندارند و اندیشمند فردای سیاه آنان نیستند رفته‌رفته پای نوجوانان ما را نیز بسوی دنیای تبه‌کاری باز کرده است تا آنجا که ندانسته و نسنجیده در گیرودار نابسامانی‌های اخلاقی و بی‌برنامگی زندگی دوران شکوفای جوانی را برق‌آسا از دست داده‌اند و دیگر باسانی بازگشتی بسوی زندگی سالم و آرام ندارند. کار این تقلید کورکورانه تا بدانجا کشیده که کیسوان بلند و شلوار تنگ و سبیل چنگیزی یک‌باره از تهران تا بدورترین روستاها و بخشهای کشور پیش‌رفته و برخی پسران جوان را بسیمای دختران آرایش داده است. بی‌اعتنائی باصول و مبانی اخلاقی، بی‌احترامی به بزرگتران و پشت سر گذاشتن کانون خانوادگی برای تماشای ظواهر فریبنده تمدن، مظاهر واقعی زندگی را از یاد بسیاری از نوجوانان برده است. خانواده‌ها چشم‌براه بازگشت فرزندان هستند که بیبانه‌های پیدا کردن کار و یا تحصیل و در معنی برای بهره‌مندی از خوشی‌های ناخوش و زودگذر راهی تهران و شهرهای بزرگ شده‌اند و دیری نیابیده که چگرگوشه خود را با رنگ و روی پریده و کیسوان بلند و چشمان خمارآلود بمواد افیونی در آستانه خانه بازیافته‌اند در حالیکه دیگر راهی بسوی

بازگشت به زندگی واقعی ندارند و چند سالی از بهترین دوران عمر خویش را هم مفت و بی هدف از دست داده اند.

از همین جاست که نطفه بزهکاری و تبهکاری در وجود آنان آغاز بر شد کرده ، دیگر روی پا بند نمیشوند؛ دیگر کانون خانواده لطفی ندارد؛ خیابانها و کوچه های زادگاهشان صفائی نمی بخشد؛ خاطره تماشاهاى رنگین جلوى سینماها و فیلمهای افسون بار و شرم آور همه حواس آنها را بسوى خود میکشد. زیرا چون نشخوار تلخ و شیرینی بآنها کام بخشیده ، باید برگشت؟؟... روز بروز بر شماره این گروه سرگردان در همه جا افزوده میشود همچنان که هر روز بر شماره جوانان سیگاری در سرزمینی - که حجب و حیا مانع سیگار کشیدن يك مرد ۶۰ ساله پیش روی پدر خود هنوز هم در گوشه و کنار بچشم میخورد - افزوده میگردد گویی نخستین نشانه مردانگی سیگار کشیدن و داشتن سبیل چنگیزی است! پدران و مادران میگویند از عهده آنها بر نمی آئیم. مدیران و دبیران هم کاری بآنها ندارند، خود این بیچاره ها هم نمیدانند بکجا میروند!

یکروز آمار جوانانی که ندانسته مرتکب بزهی شده و راهی دارالتادیب شده بودند از ۲۰ نفر در سال در پایتخت بیشتر نمی بود ولی امروز جوانان خانواده های اعیان باند بانك زنی، فرش دزدی و اتومبیل دزدی تشکیل داده اند و میل دارند که بزودی دیپلم گانگستری را هم در دانشکده ولگردی بگیرند که از جوانان امریکائی عقب نمانند! نگرانی از رخنه همین نابسامانی ها بود که مواد ۳۴ و ۳۵ قانون کیفر همگانی - که تنها راه تادیب و اصلاح بزهکاران خردسال با زدن چند ضربه شلاق بود - جای خود را بقانون تشکیل دادگاه کودکان و جوانان بزهکار داد. دارالتادیب که در حقیقت ندامتگاهی در کنار زندان بزهکاران بزرگسال و حرفه ای بود و فقط نامی و تابلویی در بر داشت - به کانون بزرگ و مجهز اصلاح و تربیت نوجوانان بزهکار تبدیل شد که دست کمی از سایر خانه های تربیتی همسان خود در کشورهای بزرگ جهان ندارد. همت والای شاهنشاه واقع بین در این رهگذر نیز نخستین گام را برداشت و با اهدائی بسیار موثر ملوکانه بود که نخستین سنگ بنای این کانون بزرگ در کوی کن تهران نهاده شد. اینک جا دارد که از یکسو مسؤولان دولت و نظام اجتماعی برای گسترش و افزایش مانند این کانون در شهرهای بزرگ بیدرنگ و بی بهانه نداشتن بودجه دست بکار شوند و از سوی دیگر مقامات مسؤول دادگستری برای رفع نواقص و تکمیل قانون بزهکاران خردسال - که آشکارا دست بازپرسهای ویژه کودکان و جوانان بزهکار را بسته - با تشکیل انجمنی از همه کسانی که در این رهگذر توشه های اندوخته اند، گام بردارند.

یادآوری این نکته شاید لازم باشد که در نوشتن قانون بزهکاران خردسال نیز مانند بسیاری از کارها (بویژه قانون کار و بیمه های اجتماعی) از قوانین بیگانه الهامی گرفته و با شتابزدگی موادی چند درهم آمیخته اند که امروز بهنگام اجرای آن دست و پا بسته گیر کرده ایم و جا دارد که هرچه زودتر تعصب را کنار بگذاریم

و آنرا با دیده واقع‌بین و با توجه بامکانات و سازمان قضائی و نداشتن بازپرس ویژه حتی بقدر لازم نه کافی بصورت عملی و آسان درآوریم. نگارنده در سالهایی که بکار مطالعه و پی‌جویی درباره احوال بزهکاران خردسال در فرانسه سرگرم بودم، بکتابی دسترسی یافتم که مجموعه‌ای از نظرات و پیشنهادهای ۶۰۰ نفر از قضات ویژه دادگاههای اطفال از ۵۵ کشور جهان را در هفتمین کنفرانس خود در پاریس پس از یکماه گفتگو، بحث و تبادل نظر و تجزیه و تحلیل قوانین کشورهای سراسر جهان در آن گرد آورده بودند و آنچه را که در زیر بنام اصلاح قانون مزبور پیشنهاد میشود پس از بازدید و کارآموزی در بزرگترین مرکز علمی جهانی - که برای کارآموزی و کارورزی قضاوت ویژه درمان این سرطان اجتماعی در Vaucreson (در کشور فرانسه) فراهم ساخته‌اند - و نیز پس از دو سال گفت‌و شنود با یکی از استادان دانشمند و نامدار فرانسوی در این رشته که ریاست علمی (نه تشریفاتی) انستیتوی جرم‌شناسی کشور فرانسه را در یکی از دانشگاههای بزرگ بمعبده دارد تهیه کرده‌ام که امید است همچنان که دو سال است بیکی از مقامات رسمی دادگستری تقدیم گردیده زودتر مورد عنایت و توجه خاص مقامات مسؤول واقع گردد.

آنچنان که اشاره شد... قانون مزبور با الهام از قوانین ۱۹۴۵ و ۱۹۵۸ ریاست جمهوری فقید فرانسه مربوط به بزهکاران خردسال تدوین شده ولی بنظر میرسد که چون مسأله بزهکاران خردسال در آنروز در ایران هنوز با توجه به آمار بیست سال اخیر اهمیت واقعی خود را نشان نداده بوده در مواردی چند از نظر نویسندگان قانون مزبور پوشیده مانده و یا بعللی مورد توجه واقع نشده است و ضرورت دارد که در صورت تأیید و تصویب اصلاح گردد.

موارد مورد نظر را میتوان بسه دسته تقسیم و خلاصه کرد:

الف - مسأله صغر سن جزائی است که در قانون ۶ سال تعیین گردیده در حالی که بنا بر آنچه ۶۰۰ نفر از قضات و بازپرسان دادگاههای اطفال در ۵۵ کشور جهان در هفتمین کنفرانس جهانی در پاریس با مذاکرات کافی و همه‌جانبه بررسی و تأیید کرده‌اند مسؤولیت جزائی خردسالان نباید دست‌کم از سن دوازده سالگی پائین‌تر بیاید حتی بیشتر کشورهای جهان این سن را تا هیجده سالگی بالا برده‌اند کما اینکه در فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی مسؤولیت جزائی از سن هیجده سال بیلا شناخته شده است.

پیشنهاد میشود سن مسؤولیت جزائی از شش سال به دوازده سال (همانطور که در قانون ۱۳۳۵ نیز مقرر گردیده بود) افزایش داده شود زیرا کودک غیر ممیز در فاصله ۶-۱۲ سالگی نمیتواند هیچگونه احساس تمیز در کردار و رفتار خود داشته باشد. تجزیه و تحلیل موارد استثنایی جرائم مرتکبه وسیله کودکان بین ۶-۱۲ ساله در کمیسیون ذیصلاحیت بررسی و معروض خواهد افتاد.

ب - مرحله دادرسی: در این باره بحث بسیار است و مهمتر اینکه:

۱ - بقاضی اطفال اجازه داده شود پس از آنکه پرونده‌ای را مورد رسیدگی

قرارداد شخصاً بصدور رای نیز بپردازد و ملزم نباشد که پرونده را بدادگاه بفرستد. بدیهی است قاضی اطفال که پرونده‌ای را تا صدور قرار مختومه بررسی کرده صلاحیت کافی و لازم برای صدور قرار مقتضی نیز دارد در حالیکه رئیس دادگاه باید مقداری وقت تلف کند تا دوباره پرونده را مطالعه و سپس رای مقتضی صادر نماید.

کمترین صلاحیت قاضی مزبور میتواند چنین باشد که پرونده‌های ساده را رأساً رسیدگی و قرار مقتضی صادر نماید و مسائل دشوارتر یا پیچیده را نزد دادگاه اطفال بفرستد.

۲- مسأله دیگر در این باره لزوم دادن حق رای بمشاور دادگاه میباشد که اگر از قضات بازنشسته نباشد دست کم در این رشته صاحب نظر خواهد بود. بنظر میرسد که نظر او میتواند در تحکیم مبانی رای صادره مؤثر و نافذ باشد.

۳- در قانون مزبور هیچگونه اشاره‌ای بموضوع خلاف مرتکبه توسط اطفال نشده و تصور میرود که رسیدگی باین جرمها بکلانتریها یا ژاندارمری واگذار شده باشد.

بنظر میرسد که دادگاههای بخش برای رسیدگی بجرائم اطفال از درجه خلاف صلاحیت کافی دارند و تاثیر واگذاری این صلاحیت بطور رسمی در قانون آنست که نخستین سنگ بنای پرونده بزهکاری کودک یا نوجوان بدست قاضی گذارده میشود و چنانچه این جوان در حوزه دیگر آن شهرستان یا استان مرتکب جرمی شد پیشینه اتهام و وضع روانی، خانوادگی، موقعیت محلی و رفتار او با بررسیهای قبلی وسیله دادگاه بخش رسیدگی شده و برای راهنمایی قاضی اطفال در دادگاه مربوطه در آن ناحیه اثر سودمندی خواهد داشت.

در این باره ناگزیر از یادآوری يك نکته میباشد که دادگاههای بخش در ایران هم اکنون بتعداد کافی و لازم قاضی ندارند و رسیدگی باحوال يك کودک بزهکار که نیاز بداشتن تخصص در مسائل روانی-روانشناسی - روانکاوای دارد با توجه بکمیت و کیفیت پرونده‌های مطروحه در دادگاههای بخش چندان کار آسانی نیست و برای رفع این مشکل میتوان از وجود مددکاران اجتماعی و سپاهیان دانش و ترویج و بهداشت در روستاها و بخشها بخوبی بهره‌مند شد.

پاره‌ای از جرائم مرتکبه وسیله خردسالان در ایران از درجه خلاف یا چنجه و حتی جنایت مربوط بامور جنگلبانی، گمرکات و حمل مواد مخدره میباشد و در حال حاضر اینگونه پرونده‌ها در دادرسی عمومی رسیدگی میشود و حال آنکه هرگونه بزه مرتکبه وسیله خردسالان باید در دادگاه اطفال رسیدگی شود تا نوجوانان در نخستین برخورد با قاضی و دادرسی در خود احساس بزهکاری وغرور حضور در محاکم نکنند و با راهنماییهای لازم از راه تبهکاری منحرف گردند و در مؤسسات تربیتی نگهداری شوند. در این باره توضیحات حضوری از صدها پرونده تخلف مربوط به بزهکاران خردسال درباره قانون جنگلها و مراتع در محاکم سراسر

کشور بخاطر دارم که بموقع معروض و ایراد خواهد شد.
ج- اقدامات تأمینی:

۱- ایجاد مؤسسات نیمه شبانه‌روزی و آزادی تحت مراقبت بجای زندان که در بند ۴ ماده ۱۸ قانون مزبور پیش‌بینی شده بمنظور تقویت روانی خردسالان و آزمایش رفتار و کردار آنان زیر نظر خانواده یا مددکاران اجتماعی یا کلانتریها (مامور ویژه) از کارهایی است که سالهاست در فرانسه بموقع اجرا گذارده شده و نتایج مثبت و مفیدی داشته است و بیگمان در کاهش شماره بزهکاران زندانی و در نتیجه افرادی که رفته رفته بزندگی در زندان عادت میکنند مؤثر خواهد بود. بدیهی است وضع روحی جوانی که چند سال در زندان بسر برده با افرادی که از آزادی تحت مراقبت برخوردار شده باشند، در اجتماع و آینده او یکسان نخواهد بود.

۲- ایجاد کلاسهای بمنظور تربیت کادر مددکار اجتماعی در مراکز استان (نخست در استانهای پر جمعیت که آمار بزهکاران خردسال قابل توجه بنظر میرسد: تهران - خراسان - آذربایجان شرقی - خوزستان) بمدت ۶ ماه در هر استان سالی ۲۵-۵۰ نفر از جوانان دیپلمه بیکار و آماده برای اینگونه خدمات پس از گذراندن کنکور و مصاحبه حضوری از نظر: ورزیدگی اجتماعی، طرز بیان، میزان علاقمندی بخدمات اجتماعی، شور و شوق و دلسوزی و خلاصه برگزیدگان از میان داوطلبان بدون اعمال نفوذ و سفارش- که متاسفانه در هر سازمانی ناگزیر بمیان می‌آید- انتخاب و آنانرا بمسائل روانشناسی، روانکاو و روشهای برخورد با خردسالان بزهکار و ولگردان از نظر تئوری و عملی (بازدید زندانها و دارالتأدیپها) آشنا ساخت تا بتدریج کادر آموزشی مؤسسات اصلاح و تربیت بزهکاران تکمیل شود.

در این کلاسها قضات دادگاههای اطفال، پزشکان، کارشناسان امور روانی، استادان روانشناسی و جامعه‌شناسی تدریس خواهند کرد.

تجربه در کشورهای بیگانه چنین نشان میدهد که دختران در این زمینه بهتر از پسران علاقمند به پرسش جویی درباره احوال خردسالان بوده‌اند و با حوصله و شوق بیشتری باین کار پرداخته‌اند. با تکمیل این کادر مورد نیاز از دختران سپاهی دانش نیز میتوان بهره‌مند شد.

د - پیشنهاد میشود تا تشکیل قانون اصلاح و تربیت- که بتدریج جانشین زندانها و دارالتأدیپها خواهد شد و نخستین گام آن با عنایت و توجهات خاص شاهنشاه آریامهر و علاقمندی وزارت دادگستری با ایجاد کانون بزرگ و مجهزی در نزدیکی تهران (کن) برداشته شده و امید فراوان میرود که برای نگهداری و بهبود حال بزهکاران خردسال در پایتخت بسیار مؤثر و سودبخش باشد- جای نگهداری خردسالان بزهکار در شهرستانها از زندان بزرگسالان بکلی جدا باشد و طرز رفتار پلیس با آنان مورد مراقبت علاقمندان و منظم قضات دادگاههای اطفال قرار گیرد و از وجود آنان در کارهای مناسب استفاده شود و برنامه‌های سخنرانیهای مذهبی بویژه نماز دستجمعی و ورزش و درس بطور منظم برای آنان بموقع اجرا گذارده شود و

خلاصه بمسأله آموزش و پرورش روانی آنان با علاقمندی بیشتری توجه شود. در این باره گفتنی بسیار است.

در پایان یادآور میشود که چون مسأله بزهکاری خردسالان هنوز اهمیت خود را آنچنان که در جهان امروز نشان داده و توجه مسؤولان نظام اجتماعی و پلیس بسیاری از کشورهای بزرگ جهان را بخود مشغول داشته در ایران خودنمایی نکرده است و از سوی دیگر اعتبارات کافی و لازم برای تجهیز کادر آموزشی و بهبود وضع کانون‌های اصلاح و تربیت در شهرستانها پیش‌بینی نشده، بنظر میرسد با ایجاد سخنرانیها و نمایش فیلمهای مستند درباره بزهکاری خردسالان در شهرستانها میتوان توجه مردم نیکوکار و علاقمند را بلزوم توجه باین مسأله مهم و حیاتی روز جلب کرد و با برگزاری نمایشگاهها و گاردن‌پارتیها بلیط‌هایی بمنظور بهبود وضع خردسالان بزهکار و اصلاح و تکمیل کانون‌های اصلاح و تربیت و ایجاد کار برای آنان در کارخانجات و شرکتهای و مؤسسات خصوصی آینده آنان را تامین نمود و از گسترش روزافزون این سرطان اجتماعی تمدن امروز تا آنجا که از دست و همت همگان بر میآید جلوگیری کرد زیرا همین نوجوانانند که پیشروان فردای کودکان بیگناه ما خواهند بود.



پرتال جامع علوم انسانی